جلسه 125-477

**دو‌شنبه - 02/04/۹9**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

شهادت ثالثه در اذان

بحث راجع به شهادت ثالثه در اذان بود که عرض کردیم چهار قول در مسأله وجود دارد:

قول اول قول مشهور به منسوب است که شهادت ثالثه نه جزء واجب در اذان است کما هو المتسالم علیه بین الفقهاء و نه جزء مستحب آن است. بله، به عنوان این‌که شهادت به ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام مستحب نفسی است در هر حال، ذکر آن هم در اذان فی حد نفسه مستحب است و لکن نباید قصد بکنند که این شهادت ثالثه جزء اذان است.

قول دوم قول برخی مثل مرحوم مجلسی اول در روضة المتقین و مرحوم آقای حکیم در مستمسک است که چون احتمال جزئیت مستحبه شهادت ثالثه را در اذان می‌‌دهیم، به قصد رجاء جزئیت شهادت ثالثه را در اذان بگوییم اشکالی ندارد. که ما عرض کردیم این قول اقرب به ذهن است.

قول سوم قول برخی است به این‌که شهادت ثالثه جزء مستحب اذان است. مرحوم مجلسی دوم در بحار جلد 81 صفحه 111 فرموده‌اند: لایبعد کون الشهادة بالولایة من الاجزاء المستحبة للاذان لشهادة الشیخ و العلامة و الشهید و غیرهم بورود الاخبار بها. قال الشیخ فی المبسوط فاما قول اشهد ان علیا امیرالمؤمنین و آل محمد خیر البریة علی ما ورد فی شواذ الاخبار فلیس بمعمول علیه فی الاذان و لو فعله الانسان لم یأثم به غیر انه لیس من فضیلة الاذان و لا کمال فصوله. و عن الشیخ فی النهایة فاما ما روی فی شواذ الاخبار من قول ان علیا ولی الله و آل محمد خیر البریة فمما لایعمل علیه فی الاذان و الاقامة فمن عمل به کان مخطئا.

عرض کردیم به نظر ما این قول سوم درست نیست. این‌که ما از تعبیر شیخ طوسی و علامه حلی و شهید اول که اخبار شاذه‌ای راجع به استحباب شهادت ثالثه در اذان وارد شده است، استفاده کنیم که خبر شاذ یعنی خبر صحیحی که لم یعمل به المشهور، این وجهی ندارد، ‌خبر شاذ اعم است از خبر صحیح و خبر ضعیف. این‌که بگویند فلان خبر شاذ است معنایش این نیست که آن خبر صحیح است.

و این‌که برخی در کتاب الشهادة الثالثة استشهاد کردند به کلمات برخی از فقهاء و برخی از روایات برای استحباب شهادت ثالثه در اذان به عنوان جزء مستحب اذان، ‌غیر از کلامی که سلار در مراسم در شهادت ثالثه در نماز داشت و همین‌طور صاحب حدائق و فاضل نراقی در مستند الشیعة، ‌ما وجهی برای این مطالب نمی‌بینیم.

مثلا ایشان در کتاب الشهادة الثالثة به این کلام سید مرتضی در رسائل السید المرتضی جلد 1 صفحه 279 استشهاد می‌‌کند که ایشان فرموده‌اند در جواب این سؤال که هل یجب فی الاذان بعد قول حی علی خیر العمل محمد و علی خیر البشر؟ الجواب: ان قال محمد و علی خیر البشر علی ان ذلک من قوله خارج من لفظ الاذان جاز فان الشهادة بذلک صحیحة و ان لم یکن فلاشیء علیه. ایشان گفته‌اند و ان لم یکن فلاشیء علیه یعنی اگر این آقایی که شهادت ثالثه را می‌‌گوید قصد هم نکند که این شهادت ثالثه جزء اذان نیست گناه نکرده. این نشان می‌‌دهد که ایشان شهادت ثالثه را جزء اذان می‌‌داند و الا اگر جز‌ء اذان نیست کسی این را بگوید به قصد جزئیت در اذان، ‌این‌ که تشریع محرم است و بدعت است.

این استشهاد به کلام ایشان درست نیست. سیاق این کلام این است که محمد و علی خبر البشر خارج از لفظ اذان است و ان لم یکن فلاشیء علیه یعنی و لو جزء‌ اذان نیست گفتن این، مانعی ندارد. و الا پیچاندن جواب معنا نداشت؛ اگر ایشان معتقد بود که محمد و علی خیر البشر جزء مستحب اذان است، ‌چرا گفت ان قال محمد و علی خیر البشر علی ان ذلک من قوله خارج من لفظ الاذان جاز فان الشهادة بذلک صحیحة. علاوه بر این‌که بر فرض غیر صحیح سید مرتضی قائل به این باشد که شهادت ثالثه جزء مستحب اذان است، دلیلی بر آن اقامه نکرده.

یا ایشان در کتاب الشهادة الثالثة به کلام ابن براج در مهذب جلد 1 صفحه 90 تمسک می‌‌کند که گفته است و یستحب لمن اذّن أو اقام ان یقول فی نفسه عند حی علی خیر العمل آل محمد خیر البریة مرتین. گفته است ایشان هم قائل به استحباب شهادت ثالثه در اذان بوده است.

در حالی که تعبیر ان یقول فی نفسه ظاهر در این است که جزء اذان نیست، در کنار اذان هم این را بگوید در وسط اذان یا اقامه این را بگوید مستحب است، ‌یعنی مستحب نفسی است. که همان قول اول می‌‌شود که قائل به استحباب نفسی شهادت ثالثه بودند در هر حال از جمله در اذان و اقامه.

و همین‌طور در این کتاب الشهادة الثالثة‌ به فتوی شیخ طوسی در کتاب اقتصاد صفحه 260 تمسک می‌‌کند که گفته است در نماز بعد از الله‌اکبر بگوید: وجهت وجهی للذی فطر السموات و الارض علی ملة ابراهیم و دین محمد صلی الله علیه و آله و سلم و ولایة‌ امیرالمؤمنین و ما انا من المشرکین. این استشهاد هم به کلام شیخ طوسی درست نیست. این کلام شیخ طوسی در اقتصاد که "بعد از هفت تکبیر اول نماز که یکی از این‌ها تکبیرةالاحرام است این جمله را بگوید"، این ربطی به شهادت ثالثه ندارد؛ ‌این چیزی که ایشان مطرح کرد ذکر خداست. وجهت وجهی للذی فطر السموات و الارض علی ملة ابراهیم و دین محمد و ولایة امیرالمؤمنین و ما انا من المشرکین، ‌این مناجاة ‌الرب است، این ذکر الرب است که هر چه در نماز بگوییم بلامانع است. ربطی به شهادت ثالثه در نماز ندارد تا بعد بگوییم به اولویت قطعیه حالا که شهادت ثالثه در نماز مستحب است در اذان هم مستحب است.

و اما استدلالی که در این کتاب شده به برخی از روایات که شهادت ثالثه در تشهد نماز مستحب است، ‌به ضمیمه این مطلب که به اولویت قطعیه پس در اذان هم مستحب است، جوابش این است که اولا ما هیچ روایت معتبره‌ای که دلالت بکند بر این‌که شهادت ثالثه در تشهد نماز مستحب است نداریم. بله، در کتاب فقه الرضا این آمده که مستحب است در تشهد بگوید و اشهد ان علیا نعم المولی و یا در تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام آمده است، و لکن فقه الرضا سند معتبر ندارد. علاوه بر این‌که اصلا معلوم نیست کتاب روایت باشد شاید کتاب فتوی است حال یا فتوی شلمغانی است و همان کتاب تکلیف شلمغانی است یا کتاب دیگری است.

و اما این‌که ایشان به برخی از روایات استدلال می‌‌کند مثل روایت سَورة‌ بن کلیب که در وسائل الشیعة جلد 6 صفحه 398 نقل می‌‌کند: ‌سألت اباجعفر علیه السلام عن ادنی ما یجزئ من التشهد قال الشهادتان، کمترین چیزی که در تشهد مجزی است شهادت به وحدانیت و به رسالت است. این معلوم می‌‌شود که ما یک حد اعلایی هم داریم، ‌حد ادنی این است، ‌حد اعلی همان شهادت ثالثه را در کنار شهادتین گفتن است.

این مطلب وجهی ندارد. این روایت بر فرض سندا تمام باشد و ما از ناحیه ثوره اشکال نکنیم بخاطر این‌که توثیقش ثابت نیست، ‌دلالتش این است که شهادتین در تشهد کافی است. و لذا آقای سیستانی هم می‌‌فرمایند کافی است در تشهد بگوید اشهد ان لااله‌الاالله و ان محمدا صلی الله علیه و آله عبده و رسوله، در مقابل بقیه مستحبات تشهد اما چه چیزی در تشهد مستحب است، ‌هیچ ظهوری ندارد. و لذا باید از مصداق ذکر الله و ذکر النبی و مناجاة الرب و دعا خارج نشود و الا می‌‌شود مصداق من تکلم اعاد الصلاة.

و همین‌طور ایشان به این روایت بکر بن حبیب احمسی تمسک می‌‌کند که دارد سألت اباجعفر علیه السلام عن التشهد کیف کانوا یقولون قال کانوا یقولون احسن ما یعلمون و لو کان موقتا هلک الناس. که بهترین چیزی را که می‌‌دانستند در تشهد می‌‌گفتند و اگر تشهد محدود به یک الفاظ خاصی بود موقت بود یعنی باید کلمات خاصه‌ای را می‌‌گفتند مردم به مشکل برخورد می‌‌کردند. ایشان استفاده کرده پس تشهد محدود نیست، پس شهادت ثالثه را می‌‌توان در آن گفت.

اولا: سند این روایت ضعیف است چون بکر بن حبیب احمسی توثیق ندارد. ثانیا: مفاد این روایت این است که تشهد صیغه خاصه‌ای ندارد، ‌بهترین چیزهایی را که مردم می‌‌دانستند در تشهد می‌‌گفتند، اما نه این‌که بدون رعایت ضوابط و لو مصداق تکلم باشد که نه ذکر الله است نه ذکر النبی است نه دعا است نه مناجاة الرب است. و الا لازمه‌اش این است که انسان هر مطلبی را که خوب تشخیص می‌‌دهد در تشهد بگوید، بحث‌های علمی را در تشهد مطرح کند، ‌بحث‌های اجتماعی را در تشهد مطرح کند. افرادی را که انسان‌های خوب می‌‌داند در تشهد بگوید من شهادت می‌‌دهم که این‌ها افراد خوبی هستند افراد عادلی هستند، و این قابل التزام نیست. نفرمایید شهادت ثالثه فی حد نفسه مستحب است، بله ما قبول داریم چه چیزی بهتر از شهادت ثالثه بعد از شهادتین و لکن باید در این عناوین کلیه داخل بشود که در نماز مجاز است.

ایشان باز استدلال کرده به صحیحه حلی عن ابی‌عبدالله علیه السلام قال له أسمّی الائمة فی الصلاة؟‌ فقال أجملهم. وسائل الشیعة جلد 6 صفحه 285. ذکر ائمه در نماز تجویز شده، فرموده اجملهم، اجمالا بگو نه تفصیلا، بهتر است اجمالا بگویی. پس شهادت ثالثه هم جایز است.

این هم درست نیست. ما که مشکلی با ذکر اسم ائمه در نماز نداریم اما در ضمن دعا، ‌در ضمن مناجاة الرب. اللهم صل علی ائمة المؤمنین یا انی وجهت وجهی للذی فطر السموات و الارض حنیفا علی ملة علیّ امیرالمؤمنین. ما مشکلی نداریم. این روایت در مقام این است که جایز است ذکر ائمه در نماز و جواب امام هم از حیث این است که فرمود اجملهم، اما در کجا جایز است؟ به چه نحوی جایز است، این در مقام بیان نیست. او پرسید اسمّی الائمة فی الصلاة امام فرمود اجملهم، ‌اجمالا نام ببر اما در کجا. جواب امام در مقام این است که تفصیلا بهتر است نام نبری اجمالا نام ببر اما اطلاق ندارد که حتی به نحو شهادت به ولایت ائمه که نه مصداق ذکر الله است نه مصداق ذکر النبی است نه مصداق مناجاة الرب است نه مصداق دعا است، اطلاق ندارد نسبت به این مطلب. و لذا اطلاق من تکلم فی الصلاة اعاد الصلاة شامل شهادت ثالثه در تشهد می‌‌شود حتی بدون قصد جزئیت هم اگر کسی بگوید مبطل نماز است.

ثانیا: بر فرض در تشهد نماز ما دلیل داریم که می‌‌شود گفت و ان علیا نعم المولی و اشهد ان علیا ولی الله، ‌تعدی از نماز به اذان و اقامه جز قیاس هیچ وجهی ندارد. ما چه می‌‌دانیم ملاکات احکام چیست. بر فرض در نماز که چه بسا سرا خوانده می‌‌شود، انسان مستحب باشد یا جایز باشد شهادت ثالثه را بگوید اما در اذان‌ که بالای مناره‌های مساجد گفته می‌‌شود شاید مصلحت نبوده که شهادت ثالثه گفته شود؛ نمی‌شود قیاس کرد و بر اساس آن گفت پس در اذان هم شهادت ثالثه جزء مستحب است.

و لذا به نظر ما این قول سوم هیچ وجهی ندارد و ما باید در احکام شرعی تابع شرع و اهل بیت که مبین شرع هستند باشیم. الیهم یلحق التالی لاتقدموا بین یدی الله و رسوله، بر خدا و پیامبر ما نباید پیشی بگیریم.

قول چهارم قول کسانی است که می‌‌گویند شهادت ثالثه در اذان و لو بدون قصد جزئیت بدعت است. برخی از اعلام در رساله عملیه‌شان نوشتند که نباید شهادت ثالثه به نحوی گفته بشود که شبیه فصول دیگر اذان باشد. شما اگر بگویید اشهد ان لااله‌الاالله اشهد ان محمدا رسول الله اشهد ان علیا ولی الله، چون این‌ها مشابه هم هستند به ذهن مردم می‌‌زند که این‌ها همه از اجزاء اذان هستند و این عرفا بدعت خواهد بود.

به نظر ما این مطلب هم وجهی ندارد. البته عرض کنم: این فرمایشی که برخی از اعلام فرمودند به عنوان حکم اولی فرمودند و الا قبول دارند که اگر ترک شهادت ثالثه در اذان موجب تضعیف تشیع بشود، به عنوان ثانوی واجب است و این مطلب، مطلب بسیار مهمی است. ما معتقدیم بر فرض این شبهه مطرح باشد و ما نتوانیم از این شبهه جواب بدهیم که شهادت ثالثه فی حد نفسه در اذان جایز نیست، اما امروز ترک آن در اذان مساوق با تضعیف تشیع است و به عنوان ثانوی حرام است.

اما نیازی به این مطلب هم نیست. اصل این شبهه به نظر ما ناتمام است. اگر ما رسما اعلام کنیم که ما شهادت ثالثه را جزء اذان نمی‌دانیم، ‌از باب این‌که شعار تشیع است آن را در اذان می‌‌گوییم ولی به هیچ‌وجه جزء اذان نیست، این مصداق بدعت است؟ مصداق تشریع محرم است؟‌ عرف این را مصداق بدعت نمی‌داند. وقتی که اذان لابشرط است از گفتن مطالب دیگر در ضمنش، بشرط لا نیست، لابشرط است و ما اعلام بکنیم که ما شهادت ثالثه را جزء اذان نمی‌دانیم ولی چون ما شیعه هستیم و شهادت به وحدانیت خدا و رسالت پیامبر را کافی در تحقق ایمان نمی‌دانیم، بدون ولایت علی و اولاد علی هیچ‌کس مؤمن نیست و لذا ما شعار ایمان‌مان را می‌‌خواهیم در اذان بیان کنیم، این مصداق بدعت نیست.

و الا باید بگوییم هر چی که در کنار می‌‌گویند بدعت است. اولش بگوید سبحان الله و الحمد لله و لااله‌الاالله و الله‌اکبر که عادت شده می‌‌گویند این هم بدعت است. آخر اذان هم و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین بگوییم این هم بدعت است. نفرمایید این‌ها مشابه فصول اذان نیست. چه فرق می‌‌کند؟ وقتی عادت بشود در کنار اذان بگویند بالاخره همین در ذهن بعضی‌ها بیندازند که این هم جزء اذان است، لازم نیست مشابه فصول اذان باشد. همین که پیشنهاد می‌‌شود بگوییم اشهد ان محمدا رسول الله صلی الله علیه و آله و علیٰ امیرالمؤمنین علی علیه السلام این هم اگر عادت بشود همین شبهه در موردش مطرح می‌‌شود که به نظر ما شبهه قابل جوابی است.

و لذا استحباب نفسی شهادت ثالثه در اذان و غیر اذان قابل انکار نیست و هیچ انتزاع بدعت از او نمی‌شود و عرض کردیم اگر هم این شبهه مطرح باشد الان ترک آن در اذان مصداق واضح تضعیف تشیع است و به عنوان ثانوی به نظر ما حرام است. مرحوم آقای حکیم هم در مستمسک اشاره داشتند که از شعار تشیع شده و فی الجملة واجب هم هست.

شهادت ثالثه در اقامه

اما راجع به شهادت ثالثه در اقامه شبهه‌ای که مطرح است این است که مصداق تکلم است و تکلم در اقامه موجب اعاده اقامه است مبطل اقامه است.

جوابش این است که روایات در بحث تکلم در اقامه مختلف است، برخی از روایات فرموده تکلم موجب اعاده اقامه است مثل صحیحه محمد بن مسلم: لاتتکلم اذا اقمت الصلاة فانک اذا تکلمت اعدت الاقامة. و لکن در مقابل روایت صحیحه داریم، ‌صحیحه حماد بن عثمان: سألت اباعبدالله علیه السلام عن الرجل یتکلم بعد ما یقیم الصلاة قال نعم. وسائل الشیعة جلد 5 صفحه 395. جمع عرفی بین این روایات اقتضاء می‌‌کند بگوییم اگر تکلم بکند انسان در اثناء اقامه مستحب است اعاده اقامه ولی اقامه باطل نمی‌شود. و لذا این اشکال هم وارد نیست.[[1]](#footnote-1)

پس عرض ما این است که ما طبق استحباب نفسی شهادت ثالثه در اذان و اقامه می‌‌توانیم شهادت ثالثه را بگوییم بلکه این شعار تشیع است و رمز تشیع است.

و الحمد لله رب العالمین.

1. ماتن: ظاهرا مفاد صحیحه حماد بن عثمان، تکلم بعد از اقامه است نه در اثناء آن و مفاد صحیحه محمد بن مسلم تکلم در اثناء اقامه است. [↑](#footnote-ref-1)